

بررسی مولفه‌های تحول‌بخش در سیره حکمرانی رسول‌الله(ص)

بهادر شهریاری (استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام - گروه معارف اسلامی)

چکیده

مدت ۲۳ سال دوران رسالت و دعوت رسول‌الله(ص)، تجربه‌ای ارزشمند می‌باشد که در امر حکمرانی، از مولفه‌های کاربردی و تاثیرگذاری برخوردار است. در این دوران، تمرکز اصلی پیامبر(ص) بر ارتباط با مردم جهت نشر و ابلاغ آیین جدید بود. علی‌رغم تنوع دشواری‌ها و تراکم پیچیدگی‌هایی که پیامبر(ص) در حوزه‌ها و سطوح مختلف با آن مواجه بودند ولی موفق شدند با جهت‌دهی و تنظیم مناسبات بر مسیر درست گام‌به‌گام، امر رسالت را پیش برده و زمینه برپایی حاکمیت اسلامی را فراهم آورند. در این مقاله با استفاده از متون معتبر تاریخی و به روش توصیفی و تحلیلی به بررسی مسئله پژوهش پرداخته شده است. نتایج بررسی‌ها مشخص می‌سازد که حضرت محمد(ص)، در عصر رسالت و در انجام مأموریت، براساس آموزه‌های وحیانی و با استعانت از قدرت لایزال الهی، رویکردهایی در پیش گرفتند که تاثیرگذار و تحول‌آفرین واقع گردید. روحیه و مشی جهادی، اخلاق‌مداری و اخلاق‌ورزی، تدبیر و هوشمندی، سه مولفه بسیار مهمی بودند که با کاربرست آنها در ارتباط با مردم و مسائل جامعه، تغییرات اساسی حاصل گردید. خنثی نمودن تهدیدات، منفعل ساختن قدرت رزم و خصم دشمنان، به دست گرفتن ابتکار عمل در عرصه تحولات میدانی و نهایتاً گسترش اسلام و اقتدار جامعه جدیدالتاسیس اسلامی، نتیجه نهایی رویکرد رسول‌الله(ص) بود.

کلید واژه‌گان: رسول‌الله(ص)، حکمرانی، بعثت، جهاد، اخلاق، تدبیر.

مقدمه

خداوند در قرآن کریم، حضرت محمد(ص) و سیره ایشان در حوزه فردی و اجتماعی را الگویی کامل و نیک برای انسان‌ها در هر عصر و نسلی ذکر می‌کند. به بیانی روشن‌تر، سیره پیامبر(ص)، امری نیست که مختص عصر رسالت باشد و تمام، بلکه نکات و تجربیات ارزشمندی به همراه دارد که چنانچه مسلمانان به آن توجه ورزیده و از آن تاسی بجویند تاثیر مهمی در اصلاح امور و پیشبرد مسائل خُرد و کلان جامعه خواهد داشت.

حضرت محمد(ص) بعد از آن که مبعوث به رسالت گردیدند برابر مأموریت دینی و رسالت سیاسی-اجتماعی که بر عهده داشتند فعالیت‌های خود را دنبال نمودند. شرایطی که پیامبر(ص) در مکه با آن مواجه بود وضعیت مساعدی نداشت، آشفتگی اوضاع اجتماعی و انحطاط اخلاقی جامعه آن عصر به اندازه‌ای بود که از آن دوره به عصر جاهلیت تعبیر می‌گردد. وقوع کنش‌های نژادپرستانه، رواج شرک و خرافه‌گرایی، رفتارهای خشونت‌آمیز ساکنین حجاز و موارد متعدد دیگر، موبد موضوع است.

با شروع دوران بعثت، به تدریج رسول‌الله(ص) در معرض فشارهای سنگین و سیاست‌های سخت‌گیرانه مشرکان قرار گرفت. به گونه‌ای که اشرافیت قریش و سران مشرک، تمام توان‌شان را جهت توقف کار حضرت و حتی از بین بردن ایشان متمرکز

ساختند. تمامی مسائل موجود در حالی رقم خورد که پیامبر(ص) در ابتدای امر به لحاظ مادی؛ توان اقتصادی، پشتیبانی سیاسی و قدرت نظامی خاصی در اختیار نداشت تا به پشتوانه آن بر چالش‌ها غلبه نماید.

با عزیمت به مدینه و شروع عصر هجرت، گرچه بخش قابل توجهی از مشکلاتی که پیامبر(ص) در مکه با آن مواجه بود کاهش یافت ولی در یثرب، مسلمانان و رسول‌الله(ص) با مسائل پیچیده‌تری مواجه گردیدند که از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار بود به گونه‌ای که هرگونه کم‌توجهی و تعلل، مشکلات اساسی ایجاد می‌نمود. وضع موجود، شرایط بسیار آسیب‌پذیر و شکننده‌ای ایجاد کرده بود که فرض بروز تنش و از هم پاشیدگی اجتماع نحیف اسلامی، را محتمل می‌ساخت. در چنین وضعیتی تمام تلاش پیامبر(ص) بر این امر قرار گرفت که آیین جدید را به مردم ابلاغ کرده، معارف و آموزه‌های آن را تبیین نماید و از این طریق، ساخت فکری-عقیدتی و نظام رفتاری آنها را شکل دهد.

براین اساس، رسول‌الله(ص) با استعانت از نصرت الهی و تعالیم تعالی بخش اسلام، در انجام ماموریت و پیشبرد امر رسالت، از رویکردها و رویه‌هایی بهره بردند که فضاهای تازه‌ای در حکمرانی ایجاد نموده و بسیار تحول‌آفرین و تاثیرگذار واقع گردید.

با عنایت به این موضوع، سوال قابل طرح اینکه عوامل تاثیرگذار و تحول‌آفرین در نظام رفتاری و سیره حکمرانی رسول‌الله(ص) چه مواردی بودند؟

فرض مقاله بر این مبنا قرار گرفته که رسول‌خدا(ص) به پشتوانه آموزه‌های تعالی بخش اسلامی، در ارتباط با مسائل و مناسبات جامعه، روشی را در پیش گرفتند که در حوزه‌ها و سطوح گوناگون منشا تغییرات عمیقی گردید. درواقع، برآیند مشی حکمرانی الهی پیامبر(ص)، در گسترش و نهادینه‌سازی آیین اسلام، عزت‌بخشی به مسلمانان و برچیدن بساط شرک و کفر متجلی گردید.

نکته قابل ذکر آن که روش پیامبر(ص) در رابطه با مسائل جامعه اسلامی، در هر عصر و نسلی، بدون تردید، هم قابلیت اجرایی دارد و هم اینکه به شکل واقعی و اساسی، گره‌گشای بسیاری از مشکلات و چالش‌های جوامع اسلامی خواهد بود. از این رو ضرورت دارد زوایای آن مورد کنکاش قرار گیرد.

با عنایت به توضیحاتی که ذکر گردید سه مولفه مذکور شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) جهاد: برخورداری از روحیه و مشی جهادی

جهاد در متون و ادبیات دینی، واژه‌ای اصیل محسوب می‌گردد که مفهوم وسیع اجتماعی در بطن آن مستتر است (پورجباری و علوی، ۱۳۹۷: ۱). جهاد، به عنوان یکی از ابواب مهم فقه اسلامی و از فروعات ده گانه دین مبین اسلام به حساب می‌آید

و می‌بایست آن را به مثابه آموزه‌ای راهبردی در نظر گرفت که تاثیر گسترده‌ای در تعالی فرد و ترقی مادی و معنوی جامعه دارد.^۱

در ادبیات و منطق عملی اهل بیت علیهم السلام نیز جهاد جایگاه ویژه‌ای دارد. حضرت امیر(ع) در تبیین مفهوم جهاد از تعبیر بسیار ظریفی بهره برده است. ایشان جهاد را از پایه‌های اساسی ایمان و دری از درهای بهشت معرفی می‌کند(شهیدی، ۱۳۷۸: ۳۶۴) که در انجام کار خیر، اجتناب از زشتی و پلیدی‌ها و در مبارزه با دشمنان دینی، تبلور می‌یابد(همان). جهاد عظمت اسلام و مسلمانان را در پی دارد(همان: ۱۰۷، ۴۰۲) و هر که آن را فروگذارد لباس خواری و ذلت بر تن خواهد کرد(همان: ۲۸).

در میان محققان و مفسرین تاکنون درباره تعریف جهاد موارد مختلفی مطرح شده است که به اختصار این گونه می‌توان آن را تعریف کرد «کوشش مجاهدانه و همه‌جانبه‌ای که با انگیزه الهی در جهت رشد و تعالی فردی و اجتماعی جامعه انجام پذیرد». در مطالب و مباحث پیرامون جهاد، دو محور فصل مشترک تمامی تعاریف می‌باشد:

۱- جهاد، تلاشی سخت و کوششی مشقت‌بار است^۲ که از سه ویژگی برخوردار باشد؛ نخست «با تمام توان و طاقت، فراتر از حد و حدود متعارف، اصطلاحاً با استفراغ وسع»، انجام پذیرد(طبرسی، ۱۳۷۲: ۷/ ۲۷۳). دوم، همراه با «نظم، استمرار و هدفمندی» باشد و سوم، مبتنی بر تامل و همراه با هوشیاری و تدبیر صورت گیرد.

۲- در راه خدا و با نیت الهی؛ خیرخواهانه و خداپسندانه، انجام گیرد^۳ و آمادگی کامل برای بذل جان، مال و دارائی در راه اعتلای دین و شعائر و حیانی وجود داشته باشد(طوسی(بی‌تا)، ۵/ ۲۶۹. نجفی، ۱۴۰۴: ۳/ ۲۱).

در ادبیات و افکار عمومی وقتی صحبت از جهاد می‌شود عمدتاً تصور جنگ و درگیری مسلحانه به ذهن متبادر می‌گردد، در حالی که مفهوم جهاد اعم از قتال و نبرد نظامی است. واژه‌ای با گستره مفهومی وسیع که جنبه‌های مختلف حیات فردی، درونی و اجتماعی را شامل می‌شود(طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/ ۴۳۰. مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲/ ۱۲۸). بر اساس آیات و روایات و با توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام، کلیه مفاهیم و مطالب پیرامون جهاد را در قالب سه گونه اصلی دسته‌بندی می‌کنند:

۱- جهاد اکبر: مبارزه‌ای مستمر برای تسلط بر قوای نفسانی و علیه گرایش‌های شهوانی است که ریشه درونی ظلم و دشمنی شمرده می‌شود(مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷/ ۶۵). این نوع از جهاد سخت‌ترین و بالاترین شکل آن محسوب می‌گردد(ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۶۷).

۲- جهاد اصغر: نوع دیگری از جهاد که مبتنی بر «نبرد مسلحانه و مبارزه نظامی با دشمن در عرصه رزم» می‌باشد. درواقع جهاد اصغر قرار گرفتن در برابر دشمن در کارزار و میدان جنگ است.

۱. واژه جهاد در قرآن کریم به اشکال مختلف بیان شده است و در جای جای آیات قرآنی، تصریحاً و تلویحاً جهاد و مفاهیم مرتبط با آن آمده است. ماده جهاد ۴۱ بار در ۱۹ سوره قرآنی به کار گرفته شده که ۸ بار آن در سوره‌های مکی و ۳۳ بار آن در سوره‌های مدنی بوده است. واژه جهاد کبیر یک بار آن هم در سوره مبارکه فرقان آمده است.

۲. حج: ۷۸. العنکبوت: ۸-۶۹.

۳. الحجرات: ۱۵.

۳- جهاد کبیر شق سوم از مفهوم جهاد می‌باشد که در آیه ۵۲ سوره فرقان بدان تصریح شده است.^۱ در رابطه با دامنه مفهومی جهاد کبیر و اجزای آن، در میان مفسران دینی تاکنون دیدگاه‌هایی مطرح شده است.^۲

جهاد کبیر به هر عمل مجاهدانه‌ای که خالصانه و با نیت الهی در راستای رشد و تعالی جامعه و استحکام ساختارهای حاکمیت اسلامی انجام پذیرد اطلاق می‌گردد. مفهوم مزبور، به معنای تلاشی گسترده، پر حجم و هدفمند در راه گسترش اسلام و آباد کردن جامعه اسلامی است که در آن تمامی زوایای ایستادگی و مبارزه با کفار دیده شده تا در هر موقعیتی، کمترین وابستگی و تاثیرپذیری از بیگانگان اتفاق افتد و حاکمیت اسلامی به درجه‌ای از صلابت و اقتدار نائل آید که رخنه و نفوذ دشمن به هر شکل در آن به حداقل برسد و خواسته یا ناخواسته در مسیر تبعیت از خواسته‌های دشمن و نقشه‌های آن قرار نگیرد.

با توجه به این تعریف، هر اقدامی از ریزترین موارد در سطح رفتارهای فردی تا کلان‌ترین موضوعات در سطوح سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، قانونگذاری و اجرایی، چنانچه در راستای تقویت و استحکام مبانی و ساختارهای نظام اسلامی باشد در ذیل این مفهوم قرار گرفته و مصداق جهاد کبیر است. براساس آیه قرآنی، از جهاد کبیر با عنوان «مبارزه و پیکاری بزرگ» یاد می‌شود که در برابر دشمنان اسلام که به دنبال تسلط، نفوذ و وابسته ساختن امت اسلامی هستند صورت می‌گیرد.

به استناد منابع و متون مختلف علمی، تلاش و کوشش و در معنایی گسترده‌تر جهاد، عامل اصلی و نهایی رشد و توسعه جوامع می‌باشد. در طول تاریخ هیچ جامعه‌ای یافت نمی‌شود که بدون تلاش مستمر و کوشش هدفمند در مسیر توسعه قرار گرفته باشد. توسعه یافتگی و تمدن جوامع زمانی محقق شده که تلاش و کوشش صورت گرفته است.

سه گونه جهاد که ذکر گردید به معنای تحدید و تمایز گسترده میان آنها نیست بلکه هر کدام مرتبط به یکدیگر هستند و در ارتباط پیوسته و اتصال هدفمند آنها، مفهوم معنایی جهاد حاصل می‌شود.

۱-۱) جهاد در سیره رسول‌الله(ص)

بدون تردید، بزرگ مجاهد عرصه جهاد در معنای حقیقی آن، نبی گرامی اسلام حضرت محمد(ص) می‌باشد. تمامی گونه‌های جهاد، همچنین نظام ارتباطی میان آنها، در سیره و شخصیت ایشان نمودار و نمایان است. از اصلی‌ترین عوامل در موفقیت رسول‌الله(ص) در پیشبرد امور، به برخورداری از گفتمان جهادی مربوط می‌شود. در ادامه مقاله به برخی از مصادیق و جنبه‌های عملی آن در سیره رسول‌الله(ص) پرداخته می‌شود.

حضرت محمد(ص) در جامعه‌ای مامور تبلیغ دین شده بودند که ویژگی‌های خاصی داشت از جمله آن که ساخت اجتماعی و فرهنگ سیاسی منحطی داشت، در برابر کوچکترین تغییر مقاومت نشان داده و افراد، کورکورانه خود را متعهد به حفظ سنن گذشته و رسم پیشینیانشان می‌دانستند، درواقع اجتماعی که -به تعبیر برخی محققان- «فقط بوی قدرت پرستی و خشونت می‌داد» (آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۶۲-۶۵) در چنین جامعه‌ای، تبلیغ و نهاده‌سازی آیینی که چارچوب‌های اجتماعی و باورهای

^۱ علاوه براین، مفهوم جهاد کبیر از بسیاری آیات قرآنی دیگر هم دریافت می‌شود.

^۲ وجود نگرش‌های مختلف، متناظر به تضاد و تقابل آن دیدگاه‌ها نیست بلکه برخی نگاه وسیعی به آن داشته‌اند برخی نیز به شکل محدودتر به موضوع توجه دارند. عمده اختلاف نظرها به مرجع ضمیر «به» در این آیه بر می‌گردد.

عقیدتی و فکری آنان را طرد می‌ساخت، کار بسیار دشواری بود. برخی از محققینی که شرایط مکه در دوران بعثت را تبیین کرده‌اند به این موضوع اشاره داشتند که حتی خوش‌بینانه‌ترین ناظر خارجی نیز تصور نمی‌کرد که محمد(ص) در امر تبلیغ دین و تغییر جامعه بحران‌زده جاهلی موفق خواهد شد(همان: ۶۵-۶۶). از این رو، گفته شده «وقتی محمد از کوه حرا پائین آمد تا کلام "الله" را به اعراب ابلاغ کند، این کار غیرممکن به نظر می‌رسید»(همان؛ ۶۳).

پیامبر(ص) از ابتدای بعثت با رویکردی جهادگونه و خدامحورانه، مبارزه‌ای تمام عیار با جهالت، انحرافات و خرافات شروع کردند. مبارزه با جهل و انحراف، از دشوارترین گونه‌های جهاد می‌باشد. بخش گسترده‌ای از ساکنین حجاز، سال‌ها و دهه‌های طولانی در فضای جاهلیت زیسته بودند، این امر در فرهنگ عمومی و ساختار اجتماعی و ذهنی آنها ریشه دوانده بود لذا ایستادگی در برابر آن بسیار سخت و غیرقابل تصور به نظر می‌رسید.

براساس آن چه که در منابع تاریخی تصریح شده پیامبر(ص) از فردای بعد از بعثت تا زمان رحلت، لحظه‌ای از تلاش و کوشش فروگذاری نکردند، با تمام توان در جهت گسترش اسلامی؛ مبانی، اصول و آموزه‌های آن فعالیت نمودند، در این راه شب و روز نمی‌شناختند، به هر شکل و طریقی که می‌توانست در تلاش بود. تا آنجا که از شدت تلاش، خویشتن را به خطر انداخت و مورد تذکر خداوند قرار گرفت. حضرت محمد(ص)، از نزدیکترین افراد و اعضای خانواده خود شروع کردند تا اینکه در ابتدای سال چهارم بعثت، بر فراز کوه صفا، کلیه قبایل و طوایف را مورد خطاب قرار داده و فعالیت تبلیغی خود را آغاز کردند(امین عاملی، همان: ۱/ ۶۱).

با شروع دعوت علنی و توسعه دامنه فعالیت‌های تبلیغی پیامبر(ص)، فشارهای اشرافیت قریش و مشرکان مکه بیشتر شد. حجم وسیعی از اقدامات علیه رسول‌الله(ص) و نومسلمانان انجام پذیرفت. برخی از موارد آن به شرح زیر می‌باشد:

- عملیات روانی سنگین: در منابع تاریخی تصریح شده است که اشراف مکه با کمک گرفتن از سخنوران و ادبای قوم، جنگ تبلیغی و فشارهای روحی روانی سنگین و آزاردهنده‌ای علیه پیامبر شروع کردند. وارد ساختن تهمت‌های زننده و نسبت‌های ناروا، طرح ادعاهای عجیب و غریب، تمسخر، استهزاء و تحقیر، متصف ساختن به سحر و جادو و افسونگری و موارد دیگری که تمامی این اقدامات با هدف ناامید ساختن پیامبر(ص) و مسلمانان، تخریب و تضعیف روحیه آنان انجام می‌پذیرفت(ابن هشام، ۱۳۷۵: ۱/ ۱۷۹-۱۸۲، ۲۲۵).

- طرح وعده و وعیده‌های جذاب و وسوسه‌کننده: از دیگر اقدامات علیه پیامبر(ص) این بود که در ملاقات‌های مکرر، با هدف بازداشتن ایشان از ادامه کار، وعده‌ها و امتیازات فراوان پیشنهاد دادند(همان: ۱/ ۱۷۸). درواقع انجام این کارها با هدف تطمیع و تحریص رسول‌الله(ص)، انجام پذیرفت. در یک از این گفتگوها به حضرت پیشنهاد شد هر نیازی داشته باشد از ثروت و مال دنیا تا سیادت و قدرت و ... برآورده می‌سازند در مقابل، ایشان امر دعوت و تبلیغ را متوقف سازند(همان).

- شکنجه، آزار و اذیت‌های جسمانی: از مهمترین و خشن‌ترین اقداماتی که توسط اشرافیت قریش و مشرکان مکه علیه پیامبر و مسلمانان انجام پذیرفت شکنجه‌ها و آزار و اذیت‌های گسترده بود(ابن خلدون، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۹۸). این اقدامات به

۱. کُهِف(۶)، فَاطِر(۸)، یُوسُف(۱۰۲)، نَحْل(۳۷)، آل عمران(۱۷۵).

طرز بی‌رحمانه‌ای علیه پیامبر(ص) و مسلمانان صورت گرفت. فهرست مطولی از اقدامات خشن مشرکان وجود دارد که بدون تردید جنایت در حق انسان‌ها به حساب می‌آید. ممنوعیت ارتباطی و محرومیت اجتماعی، محدودیت‌های گسترده اقتصادی، مصادره دارائی‌ها، در حوزه فردی نیز شکنجه و برخوردهای وحشیانه فیزیکی، گوشه‌ای از اقدامات خشن مشرکان می‌باشد(طبری، ۱۳۷۵: ۳/۸۸۵).

سه سال تحریم سخت اقتصادی و ارتباطی مسلمانان در شعب‌ابی طالب به گونه‌ای که گفته شده مسلمانان با هسته خرما سد جوع می‌کردند و صدای شیون و زاری کودکان و زنان از فرط تنگی معیشت از شعب به شهر می‌رسید(امین عاملی، ۱۴۰۳ق؛ ۲۳۵/۱). مبارکفوری، همان؛ ۱۶۰). بعد از رحلت ابوطالب و حضرت خدیجه، سخت‌گیری‌ها علیه پیامبر به اندازه‌ای شدت گرفت که آن سال را عام الحزن نامیدند. طراح قتل پیامبر(ص) آخرین تصمیم آنها بود که با هجرت به مدینه عقیم ماند.

در چنین وضعیت سخت و طاقت‌فرسایی که اشرافیت قریش و سران قبائل با تمام توان علیه پیامبر بودند حضرت، مجاهدانه؛ با استواری اراده و ثبات قدم، در وسط میدان حضور داشتند و در برابر امواج خُردکننده و ویرانگرِ تهمت، تخریب و تعذیب، لحظه‌ای تردید و تعلل نورزیدند. تمرکز اصلی حضرت این بود که به مبارزه با شرک و جهل پرداخته و به هر راهی که میسر است پیام الهی را به گوش مردم برسانند. درواقع، ایشان از کوچکترین روزنه‌ها جهت پیشبرد اهداف سود می‌جستند. در سال پایانی بعثت، زمانی که سران مشرکان و اشرافیت متکبر قریش، به زعم خود، تمام تدابیرشان را برای محرومیت و ممنوعیت مطلق پیامبر(ص) به کار بسته و امیدوار به بستن بساط اسلام و مسلمانی بودند رسول‌الله(ص) با رویکردی جهادی، زمینه هجرت به یثرب و امکان نشر اسلام در نقطه‌ای دیگر را فراهم آوردند.

در عصر هجرت نیز علی‌رغم اینکه مسائل و چالش‌های مسلمانان بسیار پیچیده‌تر گردید، تنوع و تراکمی از مشکلات پدید آمد، نیروهای گوناگونی علیه حضرت فعال شدند، تهدیدات نظامی، فشار اقتصادی، توطئه‌های ریز و درشت منافقین، دسیسه‌های گوناگون یهودیان، خطر حمله قبایل غارت‌گر به مدینه و بسیاری مسائل دیگر، اسلام و مسلمانان را در وضعیت بسیار سختی قرار داده بود، ولی حضرت لحظه‌ای از فعالیت باز نشستند، با تلاش و کوشش آمیخته با منطق و درایت، ماموریت‌شان را پیش بردند.

در پایان این بحث باید اشاره داشت که با مطالعه سیره پیامبر در دوران بعثت و هجرت، هیچ موردی یافت نمی‌شود که نشان دهد ایشان حتی لحظه‌ای گوشه‌عافیت و عزلت برگزیده باشند همیشه در وسط میدان، محکم و مصمم، حضور داشتند. محمد(ص)، بیش از آن که در کُنج خانه و خانقاه دیده شود در غار و بر فراز کوه، در دره و صحرا در میان مردم حضور و فعالیت داشتند. با وجود آن که بارها مرگ را نزدیک خود حس کردند ولی درمانده و مایوس نگردید و دست از کار و فعالیت نکشیدند.

بنابراین، نتیجه‌مشی و روحیه جهادی رسول‌الله(ص)، گشوده شدن درهای موفقیت به روی مسلمانان بود سیطره مشرکان و دشمنان به تدریج از جامعه اسلامی رخت برپست، جهل و شرک جای خود را به توحید و وحدانیت داد، اختلاف و

پراکندگی، نزاع و غارت، که در شبه جزیره بسیار گسترده بود با وحدت، برابری و مهربانی جایگزین گردید. در یک کلام، جهاد عزت آفرین و قدرت را گردید و اسلام به لحاظ فرهنگی و سیاسی، به قدرتی بلامنازع در شبه جزیره تبدیل گردید.

۲) اخلاق ورزی: برخورداری رسول الله(ص) از فضائل اخلاقی

در سلسله مباحث حکمرانی و مولفه های مرتبط با آن، اخلاق از جایگاه ویژه و بنیادینی برخوردار است. این مهم در رابطه با جوامع دینی اهمیت بیشتری می یابد. در این رابطه لازم به ذکر است که اخلاق همواره از مقولات محوری در عرصه حیات اجتماعی انسان ها بوده و این دانش کهن سال، در ادبیات جهان، میراث گران سنجی را به خود اختصاص داده است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۵۰۷). فراخ دامنی قلمرو اخلاق به گونه ای است که هیچ حوزه ای از حیات آدمی را نمی توان یافت که فارغ از ملاحظات و مسئولیت های اخلاقی باشد.

کاربرد اخلاق در حیات انسان و سرنوشت زندگی بشر، امری تزیینی-تجملی و تفننی نیست بلکه اهمیت تاثیر گذار و تعیین کننده دارد. حضرت امیر(ع) می فرماید اگر قرار باشد در زندگی به چیزی تعصب بورزیم و ایستادگی کنیم و از آن عبور نکنیم، آن اخلاق است.^۱

در سلسله مباحث «اخلاق»، یکی از محورهای مهم، فضایل اخلاقی است که با توجه به مولفه های مستور در آن، از ظرفیت های مترادفی برخوردار است و توان تاثیر گذاری بسیار بالایی در حوزه روابط اجتماعی و انسانی دارد، به این خاطر می توان آن را در ارتباط با مفهوم قدرت بررسی نمود و به عنوان یکی از مهم ترین منابع موثر در تولید قدرت به حساب آورد.

تالیف قلوب، اعتمادزایی و محبت آفرینی و نقش آن در ساماندهی جامعه آرمانی انسانی (فارابی، ۱۴۰۵: ۷۱)، رعایت حدود و حقوق مردم و احترام به آن (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۲)، آبادانی و سازندگی جامعه (عاملی، ۱۳۹۱: ۵۰۴/۸)، رشد و کمال بشری، رهنمون ساختن استعدادها و توانایی های انسان در بهره گیری درست از آن، خویش شدن داری، میانه روی و اجتناب از افراط و تفریط در حیات فردی و اجتماعی، وحدت و هم زیستی مسالمت آمیز در مناسبات افراد جامعه و پرهیز از پراکندگی و اختلاف (دامغانی، همان: ۱۸۳)، تحکیم و توسعه روابط اجتماعی و انسانی (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴۸) و بسیاری موارد دیگر، از جمله آثار حاکمیت فضائل اخلاقی می باشد.

با توجه به ظرفیت های مترادف فضائل اخلاقی و تاثیر گذاری گسترده آن، بدون تردید در پیوند تنگاتنگ با رشد و توسعه فردی و اجتماعی قرار دارند. اخلاق، همانگونه که تاثیر بسیار زیادی در اصلاح و رشد جوامع دارد فقدان آن نیز ضربات ویران کننده بر پیکره جوامع وارد خواهد ساخت. سرنوشت دردناک، آشفتگی و انحطاط جامعه، از نتایج قطعی رخت بر بستن فضائل اخلاق از جامعه می باشد.

افراد یک جامعه، زمانی که رعایت موازین اخلاقی را کنار بگذارند آن جامعه دچار آنومی شده و به سرعت در مسیر انحطاط قرار می گیرد. امام علی(ع) می فرماید نسبت به اخلاق حساس باشید که اگر اخلاق زیر پا گذاشته شود هیچ چیز در

^۱. خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه.

امان نمی‌ماند، نه اعتقادات، نه زندگی، نه سیاست، نه اجتماع و نه هیچ ارزش دیگر (خطبه ۱۷۶). جامعه انسانی منهای اخلاق، به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها قفس‌ها می‌تواند جلوی فعالیت‌های تخریبی این حیوانات انسان‌نما را بگیرد و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد.

در بررسی وضعیت جوامع و ملل گذشته، تاثیر گزاره اخلاق به روشنی مشخص است. از عوامل اصلی زوال دولت‌ها و اضمحلال جوامع و تمدن‌ها به مسئله اخلاق مربوط می‌گردد. اگر درست در تاریخ گذشته نظر شود، اقوام زیادی پیدا می‌شوند که هر کدام بر اثر پاره‌ای از رذائل و انحرافات اخلاقی، شکست خورده یا بکلی نابود شدند (خنوفر و اسماعیلی، همان: ۵۲۴).

گزاره نهایی و مشترک در فضائل اخلاقی، اثربخشی و اثرگذاری بسیار زیاد می‌باشد. بنابراین، قدرت و تاثیر محاسن اخلاقی بر بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه بسیار زیاد است به گونه‌ای که زیرساخت‌های جامعه و تمدن بشری را تحت تاثیر قرار می‌دهد (بحرینی، ۱۳۸۹: ۷۷) چنانچه اخلاق، مایه حیات انسانی و اسباب تعالی فرهنگی جامعه در نظر گرفته شود مبالغه نشده است (خنوفر و اسماعیلی، همان: ۵۲۴).

۱-۲) اخلاق‌مداری رسول‌الله (ص)

بدون تردید، از ویژگی‌های برجسته رسول‌خدا (ص) برخورداری از اخلاق والا و متعالی است. فضائل اخلاقی به برترین شکل ممکن در سیره محمد (ص) تجلی داشت. موضوعی که در منابع و متون مختلف تاریخی بدان تصریح شده است. در معتبرترین متن اسلامی، قرآن، تاثیر گسترده ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در ارتباط با مردم و جامعه، مورد توجه و تاکید قرار گرفته به گونه‌ای که تصریح شده «اگر تندخو و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند»^۱ در قرآن، رسول‌خدا (ص) به هیچ وصفی برتر از اینکه خُلُقِ عظیم دارد استایش نشده است. همین ویژگی‌ها باعث شد شایسته عنوان «اسوه حسنه» گردد^۲ و به عنوان الگویی نیکو برای مردم در هر عصر و نسلی معرفی شود.

رسول‌الله (ص)، اساس بعثت خود را تکمیل مکارم و محاسن اخلاقی ذکر نموده‌اند. رعایت موازین اخلاقی، در سیره عملی و نظری حضرت به صورت پیوسته، نه موردی و اتفاقی، تداوم داشت. اهمیت و تاثیر شگرف فضائل اخلاقی در سیره پیامبر (ص) به اندازه‌ای بود که از آن با عنوان «معجزه دوم رسول‌الله (ص)» یاد می‌شود (بهشتی، ۱۳۸۷؛ ۱۵۷).^۳

تاثیر خُلُقِ نیکو و اخلاق‌الای پیامبر (ص) در گرایش گروه‌های مختلف مردمی به حضرت نمودار گردید. قطعاً از دلایل اصلی در پذیرش اسلام و تحمل دشواری‌های آن در سال‌های بعثت، به ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) مربوط می‌گردد.

۱. آل عمران؛ ۱۵۹.

۲. قلم؛ ۴.

۳. احزاب؛ ۲۱.

۴. لازم به ذکر است اخلاق در معارف و آموزه‌های روح‌بخش آیین جدید نیز جایگاه برجسته‌ای داشته و یکی از سه بخش اصلی تعالیم آن به حساب می‌آید، به گونه‌ای که در تمامی امور و شئون دین، اخلاق، مهمل گذاشته نشده بود. در واقع اخلاق ناب و والای رسول‌الله (ص)، منبعث از مبانی دینی اسلام بود.

در نخستین روزی که پیامبر(ص) اذن یافتند دعوت خود را علنی کند بر فراز کوه صفا خطاب به جماعت قریش فرمودند "اگر شما را خبر می‌دادم که سپاهی در پایین این کوه جای گرفته است آیا سخنم را باور می‌کردید؟ گفتند: آری تو در نزد ما متهم نیستی و ما از تو دروغ نشنیده‌ایم" (امین عاملی، همان: ۱/ ۶۱. امینی، همان: ۱۴/ ۲۹۱). گفته شده در آن زمان شمار زیادی از اهالی مکه دعوت حضرت را پذیرفتند، مشرکین مکه و روسای قریش وقتی این وضع را مشاهده کردند احساس خطر کرده و با استفاده از نفوذ قبیله‌ای در اعمال فشار بر مردم، مانع از پذیرش اسلام شدند (جعفریان، همان: ۳۴۳).

در یوم‌الانذار زمانی که پیامبر(ص) در محفل خانوادگی اقوام و اقارب خود را دعوت به اسلام کرد مشابه موضع قبلی، نسبت به حضرت بیان گردید. حاضران با تصدیق راستگویی پیامبر صراحتاً عرضه داشتند که تو بهترین مائی در امانت و نیکوترین مائی در رعایت کسی و خویشی (استرآبادی، ۱۳۷۴: ۸۵).

همچنین در جریان مهاجرت مسلمانان به حبشه، جعفر بن ابی طالب سخنگوی مسلمانان خطابه‌ای که ایراد کرد به خوبی گویای این موضوع است: «... خداوند در میان ما پیغمبری برانگیخت که صداقت، امانت و عفتش را به خوبی می‌دانستیم به همین خاطر حرفش را پذیرفتیم و به آیین اسلام درآمدیم ...» (بیهقی، همان: ۲/ ۵۹-۶۰. قاضی ابرقوه، همان: ۱/ ۳۱۹. ابن اثیر، بی تا: ۷/ ۸۸).

علاوه بر این، مشرکان مکه و دشمنان قسم خورده اسلام، سرسخت‌ترین دشمنان رسول‌الله(ص) به خصوص سران آنان نظیر ابوجهل و ابوسفیان، در عصر بعثت، با وجود نهایت خصومت و دشمنی، در نهان و آشکار، تلویحاً و تصریحاً، به فضایل اخلاقی پیامبر(ص) اذعان داشتند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۵۱-۴۵۲). (ابن هشام، همان: ۱/ ۱۹۳-۱۹۴. قاضی ابرقوه، همان: ۱/ ۳۰۴-۳۰۳. مرتضی عاملی، ۱۳۸۴: ۱/ ۵۹۷-۵۹۸). (گئورگیو، همان: ۱۱۵). (زریاب، همان: ۱۳۲، آینه‌وند، ۱۳۸۳: ۶۲).

جامعه مخوف و وحشتناک عصر جاهلیت؛ که به لحاظ اخلاقی سخت مریض بود، در پایین‌ترین سطح ارزش‌های انسانی قرار داشت (آرمسترانگ، ۱۳۸۳: ۶۵-۶۶-۱۰۶) شخصیت اخلاق محور پیامبر(ص)، بسان آهن ربایی که قلب‌ها و اندیشه‌ها را به سمت خود جلب و جذب کرد. سخن قرآن در این رابطه که «هر آینه اگر بد اخلاق بودی مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند» گویای موضوع است.

آثار قدرت اخلاقی رسول‌الله(ص) به دو شکل نمایان گردید:

۱- نخستین اثر خصائص اخلاقی پیامبر(ص) در پذیرش موقعیت محمد(ص) و گرایش به وی-از نزدیکترین تا دورترین افراد- نمودار گردید. خدیجه(س)، حضرت امیر(ع) و زید بن حارثه، از نزدیکترین افراد به پیامبر(ص) بودند که در روزهای نخست بعثت، اسلام آورده و همراهی کاملی با حضرت داشتند.

اساس باور عمیق و اعتماد وافر به پیامبر(ص)، سلامت نفس، اخلاق نیک و خوی شایسته حضرت بود که باعث گردید تا خدیجه(س)-که از زنان برجسته قریش بوده و موقعیت اجتماعی و اقتصادی بالایی داشت-با تمام توان، ثروت و شهرتش، مطیع و معتقد به بعثت حضرت گردد و از انجام هر کاری در راستای پیشبرد رسالت دریغ نورزد.

پشتیبانی گسترده ابوطالب از پیامبر(ص)، به تعبیر برخی محققین «فداکاری ابوطالب در راه برادرزاده اش» (گنورگیو، همان: ۱۳۳)، ناشی از اعتماد کاملی بود که از برادرزاده راستگو و امین خود داشت. به اندازه‌ای به حضرت اطمینان داشت که نه تنها مانع فعالیت‌های ایشان نشد بلکه پشتیبان و حامی تمام عیار پیامبر(ص) بود و بی‌چون و چرا از ایشان حمایت کرد (ابن اسحاق حموی، ۱۳۶۳؛ ۱۲-۱۳).

به گفته کارلایل «هر فردی هرچه محتاط و محافظه کار باشد، باز هم نمی‌تواند خصوصیات زندگی خود را از فامیل و نزدیکان خود بپوشاند. اگر محمد(ص) دارای روحیات و کردار بدی بود هرگز بر اقوام پوشیده نمی‌ماند و آنها به او گرایش پیدا نمی‌کردند» (سبحانی، ۱۳۸۵: ۷۹۸).

سایر گروندگان به اسلام نیز یکی از اصلی‌ترین دلایلی که به رسول‌الله(ص) گرایش پیدا کردند تاثیر فضائل اخلاقی پیامبر(ص) بود. زید بن حارثه آزادشده و فرزندخوانده رسول‌خدا(ص)، چنان مجذوب پیامبر گردید که وقتی والدینش به دنبالش آمدند حضرت، زید را میان ماندن یا رفتن با والدینش مخیر کرد وی ترجیح داد در نزد رسول‌الله(ص) بماند (ابن هشام، همان؛ ۱۶۳/۱. ابن بکار، ۱۳۸۶؛ ۲۷۹). ابوسفیان از سران مشرک اشاره دارد که تاکنون ندیده بودم کسانی صاحب خویش را آن اندازه که اصحاب محمد(ص) او را دوست می‌دارند دوست داشته باشند (جعفریان، همان: ۲۶۰). همچنین موارد متعدد دیگری وجود دارد که جایگاه و تاثیر فضائل اخلاقی پیامبر(ص)، در گرایش به اسلام و پذیرش دشواری‌های آن را مشخص می‌سازد.

بنابراین فضائل اخلاقی پیامبر(ص) و آثار گسترده آن در سیره رسول‌الله(ص)، نقش ویژه‌ای در ساخت جامعه جدید اسلامی بر جای گذاشت. جایگاه اخلاق در اسلام و آموزه‌های ناب اخلاقی در تعالیم دینی باعث گردید تا گروه‌های مختلف مردمی به تدریج با کنار گذاشتن حیات بربری جاهلی، دوران تازه‌ای از زیست اخلاقی و معنوی مبتنی بر ارزش‌های دینی؛ هم‌افزایی میان مسلمانان، برادری، برابری، تعاون و ... را شروع نمایند. درواقع، روابط و مناسبات جدید اجتماعی میان نومسلمانان، بر مبنای اخلاق اسلامی شکل گرفت. لذا موضوع اخلاق اسلامی و فضائل اخلاقی رسول‌الله(ص) در عصر رسالت، تجربه‌ای بسیار ارزشمند است که کاربست آن در سلسله مباحث امروزی حکمرانی راهگشا خواهد بود. به استناد موارد متعدد تاریخی و بنا به نظر بزرگان دینی، در امر حکمرانی، هر جا که اخلاق ورزی بوده موفقیت، تاثیر گذاری و پیشبرد امور نیز اتفاق افتاده است.

۳) تدبیر؛ جایگاه و نقش تدبیر در سیره رسول‌الله(ص)

سومین محور در سیره حکمرانی پیامبر(ص) جایگاه تدبیر و دوراندیشی می‌باشد که در طراحی و پیشبرد امور، بسیار تاثیر گذار و تحول آفرین واقع گردید. نظر به اهمیت و برجستگی این امر، کاربست آن در یکی از مقاطع مهم عصر هجرت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تدبیر از مفاهیم و واژگان پرکاربرد در حوزه‌های مختلف اجتماعی و انسانی، به خصوص در ذیل مباحث مدیریتی، به حساب می‌آید و به اندازه‌ای اهمیت دارد که از آن با عنوان «قوه» یاد می‌شود. در اندیشه دینی و معارف اسلامی، تدبیر و

کلیه مفاهیم مرتبط با آن، هیچگونه تقابلی با وحی و تقدیر نداشته و در متون معتبر اسلامی، دو گانه تدبیر-تقدیر موضوعیت ندارد بلکه محدوده و مرز مفهومی آن دو کاملاً مشخص است.

اهمیت تدبیر در قرآن کریم، به اندازه‌ای می‌باشد که در آیه «فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا»^۱ مورد سوگند قرار گرفته است - خواه مقصود از مدبّرات، فرشتگان باشند یا عموم تدبیر کنندگان - زیرا عظمت موضوعی که شایستگی سوگند دارد، خود فعالیت عقلانی تدبیر است. همچنین در آیاتی دیگر لزوم تدبیر را گوشزد می‌کند.^۲

در کلام و سیره عملی ائمه معصومین (ع) نیز تدبیر جایگاه مهمی دارد و پیوسته بدان سفارش نموده‌اند.^۳ تدبیر یکی از سه وظیفه اصلی و مهمی بود که با توجه به شان رسالت و جایگاه امامتی که رسول خدا (ص) بر عهده داشتند برای ایشان تعریف شده بود؛ تبلیغ (بعد ابلاغ و هدایت گری)، تقنین (جنبه حقوقی در ابلاغ قوانین اولیه و وضع قوانین جدید) و تدبیر. هر کدام بر وجهی از حاکمیت رسول الله (ص) معطوف می‌باشد. تدبیر دلالت بر تصدی عملی امور جامعه و تشکیل حکومت دارد که با هجرت پیامبر به یثرب امکان تحقق آن فراهم آمد (افتخاری، ۱۳۸۶: ۱۲۱). لذا با آغاز دوران هجرت، «شانیت تدبیری» پیامبر (ص) برجستگی بیشتری یافت.

۳-۱) مصادیق و نمونه‌های عملی تدابیر پیامبر (ص)

از ویژگی‌های مهم رسول خدا (ص) این بود که از استعداد فکری و نبوغ بالایی در موضوعات سیاسی و اجتماعی برخوردار بود. این امر در مدیریت شایسته، حسن تدبیر و در یک کلام، نیک‌اندیشی وی در مواجهه با تحولات پیچیده عصر رسالت و گذر از چالش‌های آن، متجلی گردید. با تدابیر هوشمندانه پیامبر (ص)، به مقداری زیادی موانع پیش‌روی برداشته شده و زمینه گسترش اسلام و تفوق مسلمانان فراهم آمد. عقلانیت و خردورزی پیامبر و تجلی آن در اتخاذ تدابیر شایسته در سیره سیاسی و اجتماعی ایشان، نمود عینی و عملی دارد. کلام حضرت امیر (ع) موید موضوع است که فرمودند رسول الله (ص) مبعوث شد تا خزانه‌های عقول مردم را برانگیزاند و بشوراند (دشتی، ۱۳۷۸: خطبه اول).

توان فکری و توانمندی مدیریتی پیامبر (ص)، به حدی برجستگی دارد که در متون تحقیقاتی محققان خارجی و غربی انعکاس یافته و آن را یکی از توانایی‌های خاص حضرت دانسته‌اند. آلفونسو لامارتین (۱۸۶۹-۱۷۹۰)، مورخ و نویسنده فرانسوی به موضوع این گونه اشاره دارد که اگر «بزرگی هدف»، «کم‌بودن ابزار» و «رسیدن به نتایج شگفت‌انگیز»، سه محور سنجش هوش بشری باشد، چه کسی ادعای مقایسه بزرگ مردان تاریخ کنونی را با محمد (ص) دارد؟ (حسین پاشا، ۱۳۸۵: ۳۸).

۳-۱-۱) جایگاه تدبیر در سیره پیامبر (ص) در دوران بعثت

با شروع دوران بعثت و آغاز ماموریت پیامبر (ص) در ترویج آیین اسلام، وضعیت سیاسی و اجتماعی دشواری در مکه جریان داشت، پیامبر (ص) یکه و تنها، رسالت بزرگی بر عهده داشتند تا پیام جدیدی که با نظام فرهنگی و گفتمان جاری

^۱. نازعات (۷۹)، ۵.

^۲. محمد (۴۷)، ۲۴. مومنون (۲۳)، ۶۸.

^۳. نک: کتاب غرر الحکم و درر الکلم باب التدبیر.

آن عصر تفاوت بنیادینی داشت را تبلیغ نماید. در این دوره ۱۳ ساله، حضرت محمد(ص) در مسیر ماموریتش با سختی‌های فراوان و محدودیت‌های متعددی مواجه شد، مخالفت‌های بسیار شدیدی علیه حضرت صورت گرفت و حتی چندین بار تا پای مرگ پیش رفتند (آرمسترانگ، همان؛ ۶۵-۶۶). در این مقطع پیامبر(ص) با موانع و عناصر نیرومندی مواجه بودند که از انجام هر کاری در خصومت و دشمنی با پیامبر(ص) و نابودی مسلمانان ابایی نداشتند.

در سال‌های پایانی بعثت، دعوت اسلام در مکه در رکود به سر می‌برد (همان: ۱۹۳) و امر تبلیغ دین بسیار سخت شده بود؛ پیامبر(ص) دو تن از حامیان اصلی خود را از دست داده و بر اثر آن به گفته یعقوبی «مشرکین بر رسول‌الله گستاخ شده و بارها بکشتنش تصمیم گرفتند» (یعقوبی، ۱۳۷۱؛ ۳۹۴/۱. ابن‌العبری، ۱۳۷۷: ۱۲۷). «چون آزار مشرکان از حد بگذشت» شماری از مسلمانان برای حفظ جان و دین خود ناگزیر به مهاجرت شده (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۳۹۵/۱) تعدادی نیز در وضعیت تکیه بسر می‌بردند و گروهی نیز بر اثر تهدید و تحدیدهای بیش از اندازه کفار، امکان انجام فعالیتی نداشتند (طبری، ۱۳۷۵: ۹۰۸/۳). پیامبر(ص) شدیداً تحت کنترل بود به اندازه‌ای که حتی امکان برقراری ارتباط با افراد برای‌شان میسر نبود (ابن‌هشام، ۱۳۷۵؛ ۱۷۰/۱). بر اثر شدت فشارها و محدودیت‌ها، شرایط برای رسول‌الله(ص) به اندازه‌ای تنگ شد که کار تبلیغ در مکه گره خورده و زندگی برای مسلمانان در مکه طاقت‌فرسا شده بود (ابن‌خلدون، همان: ۳۹۸/۱. آیتی، ۱۳۷۸: ۲۰۲). به تعبیر لاپیدوس، در سال آخر حضور پیامبر(ص) در مکه «ایشان موقعیتی خطرناک، مخاطره‌آمیز و شرایطی ناامیدکننده داشت» (لاپیدوس، ۱۳۸۷: ۵۹-۶۰).

در این مقطع، راهبردی که پیامبر(ص) در پیش گرفت «مقاومت خردمندانه در برابر مخالفین و ایستادگی آگاهانه در برابر حجم فشارها و حمله‌های متنوع مشرکین» بود. پیامبر ۱۳ سال با اهدافی روشن و منطقی مستحکم، با موعظه احسن و قول لین، با صبر، مدارا و خویشتن‌داری، بدون کمترین تعلل، با وجود مشقت‌های فراوان و با تکیه بر رویکرد مقاومت، هوشمندانه پیش رفتند. بر این مبنای وجود انواع طرح‌ها و توطئه‌های نرم و سخت با کمترین امکانات و پشتیبانی‌های محدود، بدون آنکه دست به قبضه شمشیر برده یا خشونت ابراز دهد در برابر هسته‌ها و کانون‌های نیرومند قدرت و ثروت، مقاومت نمود و اسلام و مسلمین را آماده ورود به مرحله جدید ساخت. چنانچه غیر از این امر اتفاق می‌افتاد شکل‌گیری، ماندگاری و تداوم حرکت آغاز شده میسر نمی‌گردید و مغلوب یا مفتون توطئه‌های ریز و درشت عناصر قدرتمند مشرک می‌گردید.

۲-۱-۳ «تدابیر» رسول‌الله(ص) در دوره هجرت

مرحله اول: تاثیر تدابیر پیامبر(ص) در آماده‌سازی مقدمات هجرت

از زمانی که بحث هجرت مطرح شد تا آخر حیات پیامبر(ص) با حذاقت و درایت، سعی نمودند مسائل جدید را به نحوی تدبیر نمایند که به بهترین شکل ممکن و با کمترین آسیب انجام پذیرد. مرحله عزیمت به یثرب، از زمان طرح آن تا استقرار در آنجا، یکی از موارد مهمی بود که تدابیر و نبوغ حضرت محمد(ص) در آن نمود و برجستگی داشت. تلاش پیامبر(ص) برای برقراری ارتباط با گروه‌های یثربی و استقبال از تماس آنها، تصمیم هوشمندانه‌ای بود که برای تغییر وضعیت موجود و خارج ساختن خود از این شرایط بکار برد. در قدم نخست، با مقدماتی که فراهم شد مخفیانه و به دور از چشمان کفار

مکه، در محل عقبه با تعدادی از اهالی یثرب از قبیله خزرج دیدار و گفتگو کرد و اسلام را بر آنها عرضه داشت (ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۹۳/۱).

نکته‌ای قابل توجه اینکه مجموع ارتباطات پیامبر (ص) با یثربی‌ها، «با شکیبایی و گام‌به‌گام» انجام پذیرفت، به گونه‌ای که از ابتدای ملاقات با گروه یثربی تا هجرت بیش از دو سال طول کشید. پیامبر (ص) با وجود آن که در فشار و سختی به سر می‌برد ولی شتابی برای حرکت به سمت یثرب نداشت، بلکه به تدریج، مراحل آماده‌سازی، از گفتگو و ملاقات‌های حضوری تا اعزام سفیر، بیعت و عقد پیمان، را آماد ساخت تا مقدمات هجرت فراهم آید. حتی مفاد و مواد دو پیمان اول و دومی به گونه‌ای تنظیم شده بود که به تدریج زمینه حضور پیامبر (ص) در یثرب و آمادگی لازم برای پذیرش پیامبر (ص) و آیین جدید را به دست آورند (ابن‌خلدون، همان: ۳۹۹/۱-۴۰۳).

با انجام این تدابیر، در یثرب شرایط به گونه‌ای آماده شد که پیش از هجرت پیامبر (ص) به مدینه «خانه‌ای از خانه‌های انصار نماند جز آنکه نام رسول خدا در آن به نیکی برده می‌شد... سخن از رسول خدا بسیار گفته می‌شد و اسلام در مدینه آشکار شده بود» (ابن‌خلدون، همان: ۴۰۰/۱). یعقوبی، همان: ۳۹۷/۱، شمار زیادی از آنها به اسلام علاقمند شده، بی‌صبرانه و مُصرانه خواهان حضور پیامبر (ص) به دیارشان گردیدند.

صورت هجرت به یثرب، گرچه ناشی از اجبار و اضطراب بود ولی اقدامی هوشمندانه برخاسته از مبانی مستحکم دینی بود که رسول‌الله (ص) در نظر داشت از این طریق، گفتمان جدید را از حالت رکود و انزواء خارج نماید و نمی‌خواست تبلیغ آیین اسلام، محدود و منحصر به مکانی خاص شود زیرا در این صورت، امر ترویج و تبلیغ دین، گرفتار خمودی، خفقان و بن‌بست می‌شد.

بنابراین، در عصر رسول‌الله (ص)، «هجرت» از پر بارترین حوادث به شمار می‌آید و نه صرفاً به عنوان یک واقعه تاریخی-سیاسی بلکه «تدبیری راهبردی، سازنده و خیزشی ثمربخش» که عرصه میدانی تحولات را به نفع مسلمانان تغییر داد.

مرحله دوم: اوضاع مسلمانان در ابتدای حضور مسلمانان در مدینه

مرحله بعد به دورانی که پیامبر (ص) وارد مدینه شد، مربوط می‌گردد. سلسله موضوعات و موارد متعددی که -از ریزترین تا کلان‌ترین موارد- با آن مواجه بود وضعیت پیچیده‌ای داشت به گونه‌ای که پیامبر (ص) در تلاش بود با نهایت هوشیاری به تدبیر مسائل پیش‌رو بپردازد.

نکته‌ای که ابتدای حضور پیامبر (ص) در یثرب جلب توجه می‌کرد نحوه تعیین محل سکونت‌شان است. در شرایطی که پیامبر در میان استقبال گسترده مردم یثرب قرار داشت هر گروه، دسته و قبیله، مصرانه «خود را به مهار ناکه رسول‌الله آویزان می‌کردند» (مسعودی، ۱۳۶۲: ۲۲۰) و خواهان حضور پیامبر (ص) در خانه و محله آنها بودند «پیش ما فرود آی که هر مال که ترا باید و هر لشکر که ترا باید، ما از بهر تو ترتیب کنیم و شب و روز جمله قوم بخدمت تو باز داریم و خود بیستیم و آنچه شرط خدمت است بجای آوریم» (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷: ۴۷۳/۱).

اقدام به ظاهر ساده حضرت در اینکه "مهار شتر را رها کنید که خودش دستور دارد" (یعقوبی، همان؛ ۴۰۰/۱)، از این طریق سعی نمودند موضوع را به گونه‌ای تدبیر نمایند تا با توجه به شرایط خاص آن زمان و در مقطع ابتدایی حضورشان در مدینه، حاشیه‌ای به وجود نیاید. در غیر این صورت، سکونت پیامبر (ص) در محله یا نزد قبیله‌ای خاص، احتمال ذهنیت‌سازی و حاشیه‌سازی را در همان ابتدای امر محتمل می‌ساخت با این اقدام حساب‌شده، امکان طرح هر حرف و بحثی منتفی گردید.

حضور پیامبر (ص) در مدینه نباید به معنای پایان یافتن ماجرا تلقی گردد بلکه ورود به مرحله‌ای دشوار و پیچیده‌تر بود که سختی کار در این وضعیت به مراتب از مکه بیشتر بود. رسول‌الله (ص) در مدینه در قامت یک رهبر، عملاً به زعیم دینی و سیاسی تبدیل شده بود که با تنوع و تراکمی از مشکلات و شکاف‌ها در چهار حوزه اقتصادی، سیاسی، نظامی و روانی روبرو بود (آرمسترانگ، همان: ۲۰۱-۲۰۲) که به صورت «هم‌زمان، پیوسته و مرتبط با یکدیگر» عمل می‌نمودند و لازم بود که به تدبیر و تمشیت مسائل و موضوعات آن اجتماع نحیف، نوپا و شکننده پرداخته شود. در این شرایط، ضرورت داشت در رابطه با برنامه‌های مشرکین مکه و مسائل درونی مسلمانان و یثرب، تحرکات گروه‌های غیرمسلمان، قبایل بیابانگرد و عناصر فرصت‌طلب و قدرت‌جو، مشی هوشمندانه‌ای در پیش گیرد.

علاوه بر این‌ها، اقدام اساسی و مهم‌تر پیامبر (ص) این بود که می‌بایست در قالب رویکردی افندی، فرآیند اعمال تغییرات تدریجی در انتقال از «جامعه جاهلیت» به «جامعه اسلامی و ایجاد اجتماع نوین برپایه مبانی دینی» را طراحی و اجرایی می‌نمود. توقف پیامبر (ص) در مرحله دفاع و دفع توطئه‌های گوناگون مخالفینش در بلندمدت آثار مطلوبی برجای نمی‌گذاشت. لذا پیامبر (ص) در عین آن‌که به توطئه‌ها و طراحی‌های دشمن توجه کاملی داشت تمرکزش بر ایجاد ساختارهای جدیدی اجتماعی، نهادهای فرهنگی و عقیدتی بر مبنای معارف اسلامی قرار گرفت. تمامی این کارها می‌بایست در آن مقطع و به موقع انجام پذیرد هرگونه تاخیر و تعلل، روند گسترش نهضت اسلامی و برپایی دین جدید را با دشواری‌های اساسی مواجه می‌ساخت.

رسول‌الله (ص) در ابتدای حضور در مدینه با دو چالش و مسئله اساسی روبرو بود:

یک؛ چالش داخلی: به مسائل مربوط به اوضاع درونی یثرب و مسلمانان مربوط می‌شد و شامل مواردی زیر است:

۱- اولین موضوع متناظر به بافت «جامعه‌ی نوپا و مسائل پیش‌رو» بود. اجتماع جدید اسلامی که مراحل شکل‌گیری را می‌گذراند فضای کاملاً شکننده‌ای داشت. گروندگان به پیامبر (ص) و ترکیبی که در قالب «اسلام و مسلمانی» از میان مکی‌ها و یثربی‌ها با تیره و قبائل مختلف، روابط و سابقه تاریخی خاص و نگرش‌های متفاوت، به دور هم جمع شده بودند ناهمگونی‌های متنوع و عمیق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قومی و ... داشتند که در بسیاری جهات، زمینه بروز تنش مستعد بود؛ به ویژه از آن جهت که بسیاری از نومسلمانان، آشنایی کافی با معارف و آموزه‌های آیین جدید نداشتند و سال‌ها حاکمیت آیین جاهلی و عصب‌گرا بر فکر و اندیشه آنها و زندگی با فرهنگ آن، در کوتاه‌مدت و به راحتی زدوده نمی‌شد. بر اثر ساختار جاهلی و فرهنگ قبیله‌ای، بیش از آنکه فصل مشترکی میان‌شان متصور باشد سرشار از تفاوت‌ها بودند. لذا در بسیاری موارد، تحت شرایطی، احتمال احیاء رفتار جاهلی و بروز اختلاف و درگیری دور از ذهن نبود.

۲- قبایل یهود از دیگر گروه‌های مستقر در یثرب که از قدرت و نفوذ قابل توجهی نیز برخوردار بودند و از اساس موافق تحولات جدید یثرب نبودند. به زعم خود، دورنمای تحولات جدید با برنامه‌ها، منافع و موجودیت سیاسی و مذهبی‌شان مغایرت داشت. مخالفت آنها با اوضاع جدید، حسادت و دشمنی نسبت به پیامبر(ص) به تدریج در قالب جنگ روانی و سپس اقدامات عملی علیه مسلمانان نمود پیدا کرد.

۳- دسته دیگر افراد و گروه‌هایی بودند که به زبان دم از ایمان و نزدیکی به پیامبر(ص) می‌زدند ولی در دل ایمان نداشتند. در ظاهر اسلام آورده ولی در واقع با اسلام در جنگ بودند. این گروه، افرادی بودند که موفقیت پیامبر(ص) و سربلندی مسلمانان را نمی‌خواستند تصور می‌کردند اجتماع مسلمانان دوام و ماندگاری طولانی نخواهد داشت و در امید و انتظار به سر می‌بردند با دسیسه‌چینی و توطئه، اوضاع را مطابق با میل و منافع خود برگردانند. از این افراد به منافقین تعبیر می‌شد. آنان نقش تخریبی داشتند مکارانه در میان صفوف مسلمانان رخنه کرده تا به اسرار و اهداف آنان آگاه شوند. بعد از حذف یهود و فتح مکه آنها بسیار پیچیده عمل می‌کردند. پیامبر(ص) تا آخرین روزهای حیات با توطئه‌های ریز و درشت آنها مواجه بود. ماهیت و روش آنها به گونه‌ای بود که نه می‌شد آنان را رها ساخت و نه برخورد تهاجمی با آنان داشت؛ در شکل اول چون میکروب بدنه جامعه را بیمار می‌ساختند و در شکل دوم با مظلوم‌نمایی سعی در نزدیک ساختن مردم می‌نمودند.

علاوه بر جریان نفاق که در خفا علیه مسلمانان بودند در مدینه گروه‌های مشرکی وجود داشتند که علناً با پیامبر(ص) دشمنی می‌ورزیدند نظیر ابوعامر عبدعمر بن نعمان که از اشراف مدینه بوده و با پیامبر(ص) خصومت داشتند (ابن هشام، بی تا، ۵۸۴-۵۸۶).

۴- قبایل بدوی اطراف یثرب نیز ضلع دیگری از گروه‌هایی محسوب می‌شدند که با توجه به روابط دیرینه با مکه و همکاری‌های مشترکی که در برخی موارد میان‌شان وجود داشت این امکان فراهم بود تا شماری از آنها ابزار دست مشرکین علیه مسلمانان قرار گیرند. موضوعی که در مقاطعی اتفاق افتاد.

لذا پیامبر(ص) از یک سو با ترکیب آسیب‌پذیری از تنوع حسب و نژاد مواجه بود که همواره خطر بروز رفتارهای منحطانه جاهلی وجود داشت. از سویی دیگر، با گروه‌های سودجو، برتری‌خواه و عناصر قدرت‌طلبی روبرو بود که لحظه‌ای از اندیشه خیانت به مسلمانان و دسیسه‌های مزورانه علیه پیامبر(ص) فارغ و غافل نمی‌گشتند.

اقدامات رسول الله(ص) در مواجهه با چالش‌های داخلی

پیامبر(ص) ابتدا تمرکز خود را بر چالش‌های داخلی معطوف ساخت. با اقداماتی نظیر تأسیس مسجد، عقد اخوت و تدوین نظامنامه‌های همبستگی و عهدنامه با گروه‌های مختلف، سعی نمود اوضاع آشفته یثرب را آرام ساخته و به کنترل درآورد. این اقدامات، بسیار تاثیر گذار و آثار شگفت‌انگیزی داشت که بررسی آثار هر کدام مبحث مفصل و مستقلی می‌طلبد.

۱. کلمه نفاق و منافق به صورت جمع مذکر و مونث ۳۷ بار در قرآن آمده است.

در رابطه با چالش‌های داخلی، سیاست‌ها و تدابیری که جهت مواجهه با دشمنی‌های دور و نزدیک و پیدا و پنهان بکار بست؛ یک وجه آن تلاش و تمرکز برای رفع شر و دفع تهدیدات احتمالی، و جنبه مهمتر آن پیشبرد برنامه‌هایی بود که تغییر ذائقه و فرهنگ جاهلی مردم و برپایی جامعه جدید اسلامی در چارچوب اندیشه‌های دینی و اسلامی را میسر می‌ساخت. مجموع اقدامات رسول‌الله(ص) در این رابطه، ضمن آن که ضربات اساسی بر چارچوب‌های اجتماعی جاهلیت وارد ساخت پایه‌های نظام جدید را بنیان‌گذاری نمود.

تدبیر رسول‌الله(ص) در برابر اقدامات تهدیدآمیز دشمنان بیرونی

چالش دیگر پیامبر(ص)، وجود دشمن خارجی بود که تهدیدی اساسی علیه مسلمانان به حساب می‌آمد. پیامبر(ص) با خصمی - کفار، مشرکین مکه و قبایل هم‌پیمان آنها - مواجه بود که متفقاً و با تمام امکانات در اندیشه تقابل با پیامبر(ص) و تدارک حمله نظامی به مدینه بودند و دیر یا زود مترصد شروع عملیات‌های نظامی خود بودند. کفار در مکه زمانی که محدودیت‌ها و فشارهایشان را به اوج رسانده و به زعم خود، بسیار امیدوار به دفع خطر اسلام و پایان بخشیدن به کار رسول‌الله(ص) بودند ارتباط‌گیری مخفی پیامبر(ص) با خزرجی‌ها و رونق کار حضرت در خارج از مکه، آنان را سردرگم ساخته بود، ناکامی و رکب خوردن‌شان در توطئه ترور شبانه پیامبر(ص) بر «کید و کین» آنان افزوده بود(قمی، ۱۳۷۹؛ ۱/۱۴۱). علاوه بر این، هجرت غافلگیرانه پیامبر(ص) نقشه‌های آنان را بهم ریخته بود.

مجموع این موارد بر عمق کینه و خصومت آنها علیه رسول‌الله(ص) و مسلمانان افزود، موضوع اسلام و پیامبر(ص) به «مسئله اصلی و اولویت نخست» مشرکین تبدیل شده بود. به این خاطر، در امر مبارزه و نبرد با پیامبر(ص)، جری‌تر شدند.

در سال‌های نخست و در ادامه توطئه‌های خود، علیه مسلمانان مهاجر مستقر در مدینه، جنگ روانی راه انداختند و به صورت پیوسته پیغام می‌فرستادند که «تصور نکنید از دست ما رها شده و به یترب پناه برده‌اید ما می‌آییم و نابودتان می‌کنیم و بزرگان‌تان را در خانه‌ها از دم تیغ می‌گذرانیم» (مبارکفوری، همان: ۲۳۵).

علاوه بر این، قریش سلسله اقداماتی را با هدف افزایش فشار اقتصادی و معیشتی به مسلمانان شروع نمود. محاصره اقتصادی یترب برنامه‌ای بود که مشرکین مترصد انجام آن بودند. به همین خاطر با قبایل بدوی اطراف یترب، مذاکراتی داشته و معاهداتی تنظیم نمودند تا مانع فعالیت‌های تجاری مسلمانان شوند(گنورگیو، همان: ۲۱۰).

این دوران یکی از سخت‌ترین مقاطع عصر رسالت بود پیامبر(ص) و مسلمانان در عین آن که قدرت و انسجام یافته بودند ولی تهدید همه‌جانبه و خطری عمیق و فراگیر را درک می‌کردند.

با توجه به تهدیدات پیش‌رو، پیامبر(ص) با اطمینان از اینکه دیر یا زود در معرض نظامی، مجبور به مواجهه با دشمنان خواهد شد ناگزیر به اتخاذ رویکردی گردید که در پاسخ به وضعیت جدید بوده و امکان تبلیغ آیین اسلام و دفاع موثر از مسلمانان را فراهم می‌آورد.

استراتژی پیامبر(ص) این بود که در ارتباط با تحولات جاری و مسائل پیش‌رو «از موضع اقتدار و با زبان قدرت» رفتار نماید و با روشی هوشمندانه، در جهت دفاع آگاهانه از اجتماع تازه شکل گرفته اسلامی به گونه‌ای اقدام کند که ابتکار عمل در

میان گروه‌ها و قبایل مهاجم حجاز و منازعات احتمالی را در اختیار داشته باشد. درواقع، استراتژی پیامبر(ص) در این مقطع، در قالب «قدرت در برابر قدرت» سازمان یافت.

در این روش، پیامبر(ص) آگاهانه و فعالانه اقدام نمود، اصطلاحاً در لاک دفاعی فرو نرفت و منتظر هجوم مشرکین و متحدین آنان قرار نگرفت بلکه براساس مشی پیشگیرانه و بازدارندگی، با اتخاذ رویکردی آفندی به طراحی و انجام سلسله اقداماتی جهت بی‌اثر ساختن توطئه‌های مشرکان مبادرت ورزید تا بتدریج فرآیند آماده‌سازی رزمی مسلمانان در رویارویی نظامی آتی، مهیا گردد، همچنین ابزارهای لازم را بدست آورد تا در مواقع مقتضی در برابر اقدامات خصمانه مشرکین مکه دست‌خالی نباشد و گزینه لازم جهت اقدام بموقع و متقابل را در اختیار داشته باشد.

در چنین جامعه‌ای قدرت داشتن باعث می‌شد سایر رقبای قبایل نیز، خواسته یا ناخواسته، جوانب تکریم، احترام و حدود را رعایت نمایند. از این روی، پیامبر(ص) در رابطه با دشمن خارجی، سعی کرد رویکردی در پیش گیرد تا به مثابه بازیگر قدرتمند و نیروی فعال عمل نماید. منظور از طرح مفهوم قدرت در استراتژی پیامبر(ص) نه به معنای بکارگیری جبر و زور، قتل و خونریزی، قشون‌کشی نظامی شبیه آن‌چه که سلاطین انجام می‌دادند بلکه دستیابی به اقتداری که امکان دفاع از مسلمانان و حفظ آیین آنان را فراهم آورد.

لذا پیامبر(ص) در عین آن که به پشتوانه آیین جدید از آموزه‌های معرفتی عمیق و منطق قوی برخوردار بود ولی بخاطر آن که بتواند موجودیت، دوام و بقای مسلمانان را در جامعه‌ای که قانون شبه‌جنگل داشت حفظ کند می‌بایست از قدرت بالایی برخوردار باشد و قدرتمندانه در عرصه سیاسی و نظامی حجاز حضور داشته باشند.

در این وضعیت، سلسله اقدامات پیامبر(ص) بر این مبنا تدبیر شد که با ترکیبی از احتیاط، اجبار و آماده‌سازی روانی و رزمی مسلمانان چپش گردید. پیامبر(ص) ابتدا به ترمیم و تقویت روحیه اصحابش پرداخت و به آنها قوت قلب بخشید سپس تلاش کرد کلیه اصول حفاظتی و امنیتی رعایت شود. مراقبت‌های لازم را به عمل آورد تا خودش و یارانش از خبث طینت و شرارت‌های احتمالی مشرکین در امان باشند زیرا در صورتی که به پیامبر(ص) و یارانش آسیب وارد می‌کردند طبیعی بود که بقای اسلام و مسلمین را در آن شرایط نوپا با مشکلات اساسی مواجه می‌ساخت. بر همین اساس، آمده است که پیامبر(ص) در طول شب بیدار می‌ماند یا یکی از یارانش نگهبانی می‌داد، همچنین مسلمانان مهاجر نیز شب و روز مسلح و آماده بودند(مبارک‌فوری، همان: ۲۳۵-۲۳۶).

بر این اساس، از اواخر سال نخست هجرت، پیامبر(ص) ابتدا با قبایلی که در حوالی مکه و در مسیر بازرگانی حجاز به شام بودند تماس‌هایی برقرار نمود و با شماری از آنها پیمان نامه‌های دوطرفه‌ای منعقد ساخت که براساس آن ضمن حمایت از یکدیگر، حریم مسیرهای تجاری حفظ شده و مورد تجاوز قرار نگیرد(مبارک‌فوری، همان: ۲۳۷-۲۳۸-۲۳۹-۲۴۰-۲۴۱)، نظیر انعقاد پیمان با خزاعه(حمیدالله، ۱۳۸۹: ۱۴) که بعداً قبیله مزبور در نبردهای علیه مسلمانان منشاء کارهای مهمی برای مسلمانان گردیدند. سپس با حضور مداوم در این حوزه ارتباطی-تجاری، سلسله عملیات‌های گشت‌زنی در قالب دسته‌های چند ده نفری را سازماندهی کرد که به گشت‌زنی و نمایش قدرت در مسیرهای کاروان‌های تجاری مشرکین مکه

می‌پرداختند و بعضاً تحرکات و تهدیداتی را متوجه آنها می‌نمودند (واقدی، ۱۳۶۹؛ ۶-۹. ذهبی، ۱۴۱۳ق؛ ۴۶/۲. ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۱۲۶/۷).

صفوان بن امیه که قریش، در آن سال او را برای مدیریت کاروان شام برگزیده بودند پیش از انجام سفر گفت که «محمد و دوستانش کار تجارت را بر ما تلخ و ناگوار می‌گردانند و ما نمی‌دانیم با پیروانش چگونه برخورد کنیم؛ چون آنان - ابداً - ساحل دریا را ترک نمی‌کنند؟ و مردم ساحل نیز با آنان از در صلح و صفا در آمده با هم دوست هستند. پس نمی‌دانیم کجا برویم و چگونه سفر کنیم؟ حال اگر در خانه‌هایمان بمانیم، تمام دارایی خود را خواهیم خورد و چیزی از آن باقی نخواهد ماند زیرا زندگانی ما در مکه به بازرگانی تابستانی در شام و زمستانی در حبشه بستگی دارد» (مبارکفوری، همان: ۳۰۱-۳۰۲).

لذا اقدام پیامبر (ص) در سازماندهی و اعزام دسته‌های رزمی به مسیر تجاری قریش و در معرض تهدید قرار دادن آن، حضور مداوم در آن محدوده و هم‌پیمانی با شماری از قبایل آنجا، براساس برنامه‌ای مشخص صورت پذیرفت تا مشرکان قریش را از قدرت نظامی مسلمانان آگاه سازد (ابن‌هشام، ۱۳۶۳: ۲۲۲/۲) و این موضوع روشن شود که این محدوده و مسیرها در تیررس مسلمانان است.

مجموعه اقدامات پیامبر (ص) در این رابطه با دو هدف پیگیری شد؛ نخست، اقدامی جهت ارتقای آمادگی نظامی مسلمانان و پیشبرد فرایند آماده‌سازی رزمی و روانی آنان در نبردهای احتمالی با مشرکین بود. در واقع این سلسله اقدامات، نوعی آموزش و تمرین نظامی به حساب می‌آمد تا مسلمانان در موقع حملات نظامی آمادگی لازم را داشته باشند. همچنین به تازه مسلمانانی که از ابتدای دعوت همواره مورد جور و ستم قرار گرفته و ضعیف شمرده می‌شدند و تهدیدات مداوم مشرکین آنها را نگران ساخته بود جسارت و شهامت ایستادگی و نبرد رودرو با دشمن در عرصه میدانی می‌بخشید.

دوم، سلسله اقدامات پیامبر (ص) در ارتباط با این محدوده تجاری، پیام واضح و معناداری به مشرکین مکه ارسال می‌کرد و آن در معرض تهدید و خطر قرار گرفتن اصلی‌ترین و مهمترین بُعد از زندگی اقتصادی آنها بود. اتفاقی که خبرهای آن برای سران مشرکین بسیار ناخوشایند و مایوس‌کننده بود. این مفهوم را به مشرکین مکه منتقل می‌ساخت که امنیت این مسیرها در تیررس مسلمانان قرار دارد. اساساً تداوم معیشت و بقای حیات اجتماعی آنها به امنیت این مسیرها و تداوم فعالیت‌های بازرگانی بستگی داشت.

بدین طریق که تسلط مسلمانان بر مسیرهای تجاری و توان و آمادگی آنها برای ضربه زدن به منافع حیاتی قریش، اهرم فشاری بود در دست مسلمانان تا در مواقع ضروری، به میزان مورد نیاز فشار لازم را وارد کرده و از این طریق، مانع پاره‌ای از آسیب‌ها و اقدامات جنگ طلبانه قریش علیه مسلمانان گردند.

علاوه بر این، در موضوع نبردهایی که علیه حضرت نیز شکل گرفت با تدابیری که بکار بستند رویکردهای خشن و سخت نظامی مخالفینش را مدیریت کرد. در جریان غزوه خندق، با وجود آن که دشمنان متلف با تمام قوای انسانی، مادی و تسلیحاتی به مدینه حمله ور شدند و احتمال داشت حمام خون راه بیفتد با نصرت الهی و تدابیر پیامبر (ص)، با کمترین تلفات

انسانی، فتحی بزرگ نصیب مسلمانان شد و اسلام، قدرت و اعتبار بسیار زیادی یافت. در حدیبیه، فتح مکه، مواجهه با یهود و ... همین اتفاق افتاد.

مواردی که بیان شده گوشه‌ای از تدابیر رسول خدا(ص) بود که در آن وضعیت پیچیده به کار بستند و تاثیر فراوانی بر پیروزی و موفقیت نهایی مسلمانان داشت.

یافته‌های پژوهش

به استناد تجارب تاریخی مربوط به سیره رسول الله(ص)، در امر حکمرانی، توجه به سه متغیر؛ جهاد، اخلاق و تدبیر، بسیار مهم است و چنانچه امروزه نیز این موارد به شکل واقعی و حساب شده مورد توجه قرار گیرد منشا تغییرات و تحولات مهمی در اصلاح و بهبودی وضع جامعه خواهد داشت.

نتیجه

سیره رسول خدا(ص)، الگویی نیکو و اسوه‌ای حسنه، برای بشریت در تمامی اعصار می‌باشد. کنکاش زوایای آن، تجارب ارزشمند به همراه دارد که کاربست آن در مسائل امروزی نیز تاثیرات زیادی دارد. حضرت محمد(ص) در عصر رسالت، در مسیر انجام ماموریت و استقرار حاکمیت اسلامی در مدینه، منبعث از معارف دینی و آموزه‌های وحیانی و با حفظ اصول و اخلاق انسانی و اجتماعی، رویکردهایی در پیش گرفت که موفقیت نهایی مسلمانان را به دنبال داشت. روحیه جهادی، اخلاق‌ورزی و تدبیرگرایی، محورهای اصلی کار پیامبر(ص) بود که به خنثی‌سازی توطئه‌ها و طراحی‌های دشمنان پیامبر(ص)، برچیدن بساط کفر، شرک و نفاق، مهار نیروی مخالفین و منفعل ساختن قدرت اجتماعی و اقتصادی آنان، استقرار نظام جدید اجتماعی بر مبنای گفتمان اسلامی و جایگزین شدن آیین یکتاپرستی با بت پرستی و خرافه پرستی، در نهایت تفوق و اقتدار مسلمانان انجامید.

فهرست منابع

- [۱]. آرمسترانگ کارن(۱۳۸۳)، محمد؛ زندگی نامه پیامبر اسلام(ص)، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران؛ انتشارات حکمت.
- [۲]. آیتی محمد ابراهیم(۱۳۷۸)، تاریخ پیامبر اسلام(ص)، تهران؛ انتشارات دانشگاه تهران.
- [۳]. ابن سعد کاتب واقدی(۱۳۷۴)، الطبقات کبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران؛ فرهنگ و اندیشه.
- [۴]. ابن خلدون(۱۳۶۳)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- [۵]. ابن اسحاق حموی محمد(۱۳۶۳)، أنیس المؤمنین، تهران؛ بنیاد بعثت.
- [۶]. ابن هشام حمیری(۱۳۷۵)، سیره النبوه؛ زندگانی محمد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، قم؛ کتابچی.
- [۷]. ابن اثیر عزالدین علی(۱۳۷۱)، کامل(تاریخ بزرگ اسلام و ایران)، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران؛ مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- [۸]. ابن العبری(۱۳۷۷)، مختصر تاریخ الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۹]. ابن سید الناس(۱۴۱۴)، عیون الأثر، بیروت؛ دارالقلم.
- [۱۰]. ابن هشام(بی تا)، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأیاری، بیروت، دارالمعرفه.

- [۱۱]. ابن عمر محمد بن عبدالله (۱۳۸۲)، خلاصه سیرت رسول الله (ص)، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۲]. الذهبی شمس الدین محمد (۱۴۱۳ق)، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبدالسلام، بیروت؛ دارالکتاب العربی.
- [۱۳]. امین عاملی سید محسن (۱۳۷۶)، سیره معصومان، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران؛ سروش.
- [۱۴]. افتخاری اصغر (۱۳۸۶)، معنا و مقام حاکمیت در سیره نبوی، (مجموعه مقالات سیاست نبوی)، تهران؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۵]. بحرینی نسرین (۱۳۸۹)، مبانی اخلاقی آزمون سازی در نظام آموزشی ایران، تهران؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- [۱۶]. پیشوایی مهدی (۱۳۸۲)، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت، قم؛ دفتر نشر معارف.
- [۱۷]. قمی شیخ عباس (۱۴۲۲)، منتهی الآمال فی تواریخ النبی و الآل، تعریب هاشم میلانی، قم؛ جامعه مدرسین.
- [۱۸]. دیون پورت جان (بی تا)، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، قم و تهران؛ دارالتبلیغ اسلامی.
- [۱۹]. حسین بر عبدالستار (۱۳۸۶)، صاحب نظران غربی از پیامبر اسلام می گویند، مجله ندای اسلام، سال هشتم، شماره ۲۹-۳۰.
- [۲۰]. حسین پاشا (۱۳۸۵)، پیامبر اعظم از نگاه متفکران غربی، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۳۸.
- [۲۱]. حسن ابراهیم حسن (۱۳۷۶)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، س ۳ جلد، تهران؛ جاویدان.
- [۲۲]. حمیداله محمد (۱۳۷۴)، نامه ها و پیمان های سیاسی حضرت محمد (ص)، تحقیق، گردآوری و ترجمه سید محمد حسینی، تهران؛ سروش.
- [۲۳]. ----- (۱۳۵۶)، اولین قانون اساسی مکتوب در جهان، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران؛ بعثت.
- [۲۴]. حیدری ابهری غلامرضا (۱۳۸۵)، حکمت نامه پارسیان، قم؛ نشر جمال.
- [۲۵]. عمیدزنجانی عباسعلی (۱۳۷۰)، اسلام و حقوق اقلیت ها، تهران؛ نشر فرهنگ اسلامی.
- [۲۶]. ----- (۱۳۶۴)، وطن و سرزمین، تهران؛ فرهنگ اسلامی.
- [۲۷]. قاضی ابرقوه (۱۳۷۷)، سیرت رسول الله (ص)، تهران؛ وزارت ارشاد.
- [۲۸]. سبحانی جعفر (۱۳۸۵)، فروغ ابدیت، قم؛ بوستان کتاب.
- [۲۹]. لاپیدوس ایرام (۱۳۸۷)، تاریخ جوامع اسلام، ترجمه علی بختیاری زاده، تهران؛ اطلاعات.
- [۳۰]. طبری محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران؛ اساطیر.
- [۳۱]. زرین کوب عبدالحسین (۱۳۸۷)، بامداد اسلام، تهران؛ امیر کبیر.
- [۳۲]. گئورگیو کنستان ویرژیل (۱۳۹۴)، محمد پیغمبری که از نو باید شناخت، تهران؛ انتشارات زرین.
- [۳۳]. مبارکفوری صفی الرحمان (۱۳۸۲)، باده ناب، ترجمه محمد بهاء الدین حسینی، سنج؛ کردستان.
- [۳۴]. مسعودی ابوالحسن علی (۱۳۶۲)، اثبات الوصیه، ترجمه محمد جواد نجفی، چاپ دوم، تهران؛ اسلامی.
- [۳۵]. مقدسی مطهر بن طاهر (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران؛ آگه.
- [۳۶]. مرتضی العاملی جعفر (۱۳۸۴)، سیرت جاودانه، ترجمه محمد سپهری، تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۳۷]. نجفی محمد حسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- [۳۸]. نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی (۱۳۷۸)، تهران؛ شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- [۳۹]. یعقوبی احمدابن واضح (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۴۰]. واقدی محمدبن عمر (۱۳۶۹)، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران؛ مرکز نشر دانشگاهی.
- [۴۱]. ویل دورانت (۱۳۶۵)، تاریخ تمدن، ترجمه حسین آریانپور، تهران؛ نشر انقلاب اسلامی.